

## تاریخ معاصر اندونزی و روند مبارزه و دگرگونی اهداف نهضت دارالاسلام

علی بحرانی پور<sup>۱</sup>

### چکیده

تاریخ اندونزی تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی و نهضت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری اسلامی است. (تاریخچه) نهضت دارالاسلام، یکی از این نهضت‌هاست که ابهاماتی در علت صعود (برآمدن)، دلیل دوام (فرایند)، سقوط (زوال) و دیگر مسائل آن، وجود دارد. (مسئله) موضوعی که علی‌رغم اهمیت برای مسلمانان و جهان اسلام، چندان مورد واریسی موشکافانه قرار نگرفته است. (پیشینه) از این رو، مقاله حاضر بر آن است که به این سؤال پاسخ دهد: روند مبارزه و دگرگونی اهداف نهضت دارالاسلام در تاریخ معاصر اندونزی چگونه صورت گرفته است؟ (سؤال) مطالعات نشان می‌دهد نهضت دارالاسلام در پی اخراج استعمارگران هلندی، اوج گرفت اما در پی عدم استقرار عدالت، تأسیس حکومت اسلامی را هدف خویش قرار داد و پس از ناکامی در آن، از هم پاشید. (فرضیه) ترسیم تصویر اسلام برآمده تجار ادویه و تبلیغات صوفیان در مبارزه موفق و مستمر با ظلم و تجاوز، مقصودی است که این نوشتار دنبال می‌کند. (هدف) شیوه مقاله، توصیفی - تحلیلی است. (روش) نهضت دارالاسلام به عنوان یکی از پیشگامان مبارزات مسلمانان جنوب شرقی آسیا علیه استعمارگران اروپایی و ستم بومی است. (یافته)

### واژگان کلیدی

اندونزی، نهضت دارالاسلام، اقیانوس هند، تجارت ادویه و تصوف اسلامی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز - bahranipour@hotmail.com  
تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۲۹

## مقدمه

موضوع مورد بحث، ادبیات تحقیق قابل ملاحظه‌ای دارد. در میان تحقیقات انجام شده در باب تاریخ اندونزی کتابی با همین عنوان توسط یک محقق هلندی به نام ولک (۱۳۷۴) نگاشته شده است که مهم‌ترین ویژگی آن، جامعیت کتاب و بحث‌های آن به خصوص درباره تاریخ میانه اندونزی است که برای شناسایی ریشه‌های تاریخی تجارت و تصوف در آن سرزمین، راهگشاست و از دیدگاه استعماری در مواجهه با نهضت‌های اسلامی بی‌بهره نیست! این دیدگاه، در آثار هوکر<sup>۱</sup> (۱۹۸۳)، نوئر<sup>۲</sup> (۱۳۷۰)، فدرسپیل<sup>۳</sup> (۲۰۰۱)، اسپوسیتو<sup>۴</sup> (۲۰۰۸)، گیسون<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) و ریدل<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) پررنگ‌تر است. در اکثر این آثار، اعتنای اندکی به خدمات نهضت دارالاسلام در مبارزات ضداستعماری شده و اغلب دربردارنده تعمیم‌هایی گاه ناروا و پیش‌فرض‌های امروزی تروریست‌پنداشتن اغلب گروه‌های اسلام‌گرا از جمله دارالسلام است. از سوی دیگر، منابع محلی هم‌چون آثار یکی از محققان مسلمان محلی به نام ازرا<sup>۷</sup> نیز، دیدگاه رسمی حکومت مرکزی را منعکس کرده، به دارالاسلام به چشم دگراندیش و مخالف می‌نگرند؛ هرچند که نسبت به منابع غربی منصف‌ترند. به‌طور کلی، دیدگاه کمابیش خصمانه‌ای نسبت به نهضت دارالاسلام و اهدافش وجود دارد. البته برخی از اینان از جمله هوکر، دیدگاهی معتدل‌تر و علمی‌تر در این زمینه اتخاذ کرده‌اند.

## بستر جغرافیایی و زمینه‌های تاریخی گسترش اسلام تا روزگار نفوذ استعمارگران اروپایی در اندونزی

اندونزی از نظر موقعیت جغرافیایی بین قاره آسیا، اقیانوسیه، اقیانوس‌های

1. Hooker.
2. Nooer.
3. Federspiel.
4. Esposito.
5. Gibson.
6. Riddell.
7. Azra.

## تاریخ معاصر اندونزی و روند مبارزه و دگرگونی اهداف نهضت دارالاسلام ۵۵

کبیر و هند واقع شده است. در طی قرن‌ها، این سرزمین تحت تأثیر و سلطه شرق و غرب قرار گرفته است. مذاهب مختلف تائو<sup>۱</sup>، هندو، بودائی، مسیحیت و اسلام، هر کدام ویژگی خاص خود را به این منطقه آورده‌اند. در اندونزی، مفاهیم اعتقاد به خدا، صبر و شکیبایی، انسان‌دوستی، آزادی‌خواهی و عدالت اجتماعی، اصول پنج‌گانه‌ای را تشکیل می‌دهند که بیانگر اندیشه بنیادی و شیوه زندگی مردم آن کشور است. این عقیده در دیباچه قانون اساسی (مصوب ۱۳۲۴ش/ ۱۹۴۵م) نیز منعکس شده است.<sup>۲</sup> ویژگی‌های مذکور ریشه در تاریخ طولانی اندونزی دارد؛ از آن جمله، تجارت ادویه و تصوف اسلامی مبنای حیات اجتماعی و هویت مردم آن سرزمین را پدید آورده که در ذیل ریشه‌یابی می‌شود.

اندونزی (به قول قدما جاوه یا جابه) مجمع‌الجزایری در آب‌های کم‌عمق (۶۱ متری) میان دو اقیانوس هند و آرام، در مسیر دریایی هند به چین (جاده ادویه) قرار دارد. اندونزی شامل پنج جزیره بزرگ به نام‌های سوماترا، جاوه، کالیمانتان (قسمتی از جزیره بورنئو)، سولاوسی (سلب، سلبس) و ایریان جایا (بخش غربی گینه نو) و سی گروه جزیره دیگر و جمعاً ۱۳۳۶۷ جزیره است که ۶۰۰۰ قطعه از آن‌ها امروزه مسکونی است.

عبور خط استوا از میانه سرزمین اندونزی موجب گرما، رطوبت و بارش بسیار و در نتیجه رویش جنگل‌های انبوه استوایی شده است. بیش‌ترین میزان فعالیت‌های آتش‌فشانی در ده‌ها کوه از جزایر جابه و ریزش خاکستر آن‌ها، نقش مهمی در تقویت خاک آن‌جا و تأثیر عمیقی در اعتقادات و بسیاری مظاهر زندگی مردم جابه داشته است. بندر پر رونق سورابایا در دهانه رود مهم برانتاس که از کوه کاوی در جنوب شرقی جاوه سرچشمه می‌گیرد، مرز طبیعی مملکت کادیری (سرزمین داها) و ناحیه جنگله بود که از ۱۰۴۱ میلادی، از تقسیم قلمرو سلسله جاوه شرقی تشکیل شده بودند. رود قابل کشتی‌رانی موسبی نیز در

۱. تائوئیسم (Taoism) یا فلسفه تائو روش فکری منسوب به هستوئلا (Laozi) فیلسوف چینی که مبتنی است بر اداره مملکت بدون وجود دولت و بدون اعمال فرم‌ها و اشکال خاص حکومت.

۲. به عنوان مثال بنگرید به تبصره اول اصل ۲۹ قانون اساسی اندونزی: اساس دولت اعتقاد به خدای واحد متعال می‌باشد.

پایتخت سری و بیجاپا در سوماترا جریان داشت. جمعیت کشور جابه که در قرن سیزده میلادی کم‌تر از سه میلیون نفر بود، شامل مردمی با حدود ۲۰۰ زبان و لهجه و ترکیبی از مردم بومی، مهاجران آسیایی شبه مغولی و تعداد اندکی هندی، عرب و بعدها، اروپایی بودند. بقایای واژه‌ها سانسکریت، فارسی و عربی به سابقه این مهاجرت‌ها به ویژه در نواحی سوماترا اشاره دارد.<sup>۱</sup>

بندرهای شمال جزیره جاوه بر فعالیت‌های تجارت دریایی متمرکز بودند. جزایر دیگر جابه (اندونزی) که فاقد زمین‌های مساعد برای کشت بودند، حکومت‌هایی برون‌گرا و علاقه‌مند به تجارت خارجی داشته‌اند. از این‌رو، مردم ساحل‌نشین با ساکنان برنج‌کار مناطق داخلی دارای تفاوت‌های عمیق و اختلاف‌های طولانی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بوده‌اند. احتمالاً سواحل نشینان بر اثر ارتباط با بازرگانان مسلمان و عمدتاً گجراتی، بیش‌تر و زودتر اسلام آورده‌اند. (ویکلفس و کالوین، ۱۳۷۰: ۱۰ و ۲۳) اسلام اینان تحت تأثیر تبلیغات صوفیه خاصه سهروردیه و قادریه نوعی تصوف اسلامی و مبتنی بر تشکیل دیاسپوراهای (مهاجرنشین‌های) تجاری- صوفیانه دریانوردی قرار داشت. (Mansurnoor, ۲۰۰۳: ۳-۱۸)

عمده‌ترین وقایع تاریخ اندونزی پیش از استعمار عبارتند از: نفوذ آیین هندو و برهمنی (بین ۱ تا ۷ م)، تأسیس یک حکومت در مواراکانام در شرق برنئو (حدود ۴۰۰ م)، ترویج بوداییسم در سوماترا توسط شاهزاده گوناوارمان کشمیری (حدود ۴۲۴ م)، نخستین گزارش‌ها از حکومت سلسله سری و بیجاپا در سوماترا (۶۷۰ م)، رسمیت یافتن فرقه اکثریت بودایی موسوم به مهاییانا در جاوه مرکزی (۸۰۰-۷۷۰ م)، حکومت شاهان سلسله شایلندرا معتقدین به آیین شیوایی

۱. جاوه در زبان جاوه‌ای به معنی «جزیره برنج» است. پیش از جنگ جهانی دوم اندونزی را هند شرقی هلند می‌نامیدند. ادولف باستیان قوم‌شناس آلمانی در ۱۸۸۴ م نام اندونزی را به معنی جزایر هند برای آنجا به کار برد. پیش از آن مردم اندونزی سرزمین خویش را به نام جزایر گوناگونش به ویژه جاوه و سوماترا (به معنی جزیره طلا) و گاه با نام «تاناه آیر» (آبوخاک) یا «نوسانتارا» (جزایر دیگر) و یا به نام سلسله‌های حاکم بر آنجا می‌خوانده‌اند. (ولک، ۱۲: ۱۳۷۴ و ۹۸۱ و ۷۵) در منابع اسلامی و حتی برخی منابع اروپایی متقدم چون مارکوپولو، «جاوه» به سراسر مجمع‌الجزایر و نه صرفاً جزیره جاوه اطلاق می‌شد. (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۷-۱۸۴؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷۲۰)

## تاریخ معاصر اندونزی و روند مبارزه و دگرگونی اهداف نهضت دارالاسلام ۵۷

(۸۷۰ م)، پیدایش نخستین کتیبه‌های مسلمانان در لران در جاوه (۱۱۰۲ م)، حکومت سلسله کادیری (۱۲۲۲-۱۱۳۵ م)، سلسله سینگهاساری (۶۹۲-۱۹ ع/۱۲۹۲-۱۲۲۲ م)، سلسله ماجاپاهیت (۸۸۳-۹۴ ع/۱۴۷۸-۱۲۹۴ م)، سلسله دماک (۱۵۲۲-۱۵۱۱ م)، ورود واسکودوگامای پرتغالی به هند (۱۴۹۸ م) و سپس سلطه هلندیان بر جزایر اندونزی صورت گرفت. (ولک، ۱۲: ۱۳۷۴ و ۹، ۸۱ و ۷۵)

حکومت‌های پراکنده مجمع‌الجزایر جاوه را تجارت و مسیرهای دریایی مربوط به آن به هم پیوند می‌داد و شاید انحصار مسیرهای بازرگانی راه ادویه که در دست شاهان ماجاپاهیت بود، به آنان اجازه نوعی اعمال قدرت متمرکز را می‌داد که متکی بر اعمال فشار اقتصادی بر مخالفان بود. نظام بازرگانی مجمع‌الجزایر جاوه در مالاکا به شبکه راه‌های غرب منتهی می‌شد که به هند، ایران، شبه‌جزیره العرب، شام، شرق آفریقا و مدیترانه می‌پیوست. راه‌های شمالی این ناحیه در مسیر سیام و پگو و راه‌های شرقی به سمت چین، و شاید ژاپن متصل می‌شد که به‌طور کلی جاده بزرگ ادویه را تشکیل می‌داد. دو کانون مهم تجاری این مسیر، گجرات و مالاکا بود. با این وجود، حجم زیاد کالاهایی با مصارف عمومی چون منسوجات هند و برنج جاوه بخش‌های مرکزی این مسیر را تقویت می‌کرد. به نظر می‌رسد مجمع‌الجزایر جاوه، در تجارت بین‌المللی اغلب نقش تأمین صندل، ادویه میخک، جوز بوآ (هندی) مورد نیاز غرب در جزایر شرقی را بر عهده داشته است. (ویکلفس و کالوین، ۱۳۷۰: ۲۶-۳۰)

برقراری حمل‌ونقل و ایجاد ایستگاه‌هایی برای تأمین آذوقه، تعمیر و ساخت کشتی‌های بزرگ در تجارت اقیانوس هند در نواحی و جزایر غربی مجمع‌الجزایر از دیگر کارکردهای جاوه بود. محصول مهم جاوه غربی و سوماترا فلفل بود که برخلاف ادویه شرق، منحصر به آنجا نبود. منابع غیر جاوه‌ای که بیش‌تر توسط تاجران و جهان‌گردان نوشته شده‌اند، به توصیف تجارت و کالاهای بین‌المللی مجمع‌الجزایر مذکور می‌پرداختند. بنابراین انگیزه‌های نیرومندی برای حضور استعمارگران پرتغالی و سپس هلندی در آن نواحی وجود داشت.

---

۱. جوز هندی درختی از جنس درختان همیشه‌سبز است. از دانه‌ای که درون هسته میوه آن قرار دارد، به‌عنوان ادویه و طعم‌دهنده غذا استفاده می‌شود.

### جزایر ملوک (جزایر ادویه)

در شرق جاوه تقریباً تولیدکنندگان انحصاری ادویه به ویژه میخک و جوز بوا بودند. این جزایر (تا قرن ۶ ق/ ۱۲م) عملاً سهمی در امور جاوه (اندونزی) نداشتند، از آن پس به ارزش تجاری ادویه‌هایی چون میخک و جوز بویا که در شیب تند جزایر آتشفشانی محل سکونت آن‌ها می‌روید، واقف شدند. به این ترتیب که دریانوردان و بازرگانان سایر جزایر جابه در سواحل جزایر ملوک سکونت یافته، مردم بومی را به نواحی داخلی‌تر راندند و در سواحل حکومت‌هایی کوچک تشکیل دادند که تحت ریاست فرماندهی ثروت‌مندترین تاجر هر ناحیه قرار داشت که به تدریج عنوان «راجه» می‌گرفت. که مشهورترین این حکومت‌ها آن‌ها ترناته در سواحل باریکه شمال جزیره سلبس و تیدوره در شمال جزیره سورونگ یا کورونگ در منتهی‌الیه شرقی اندونزی فعلی بودند که به گینه‌نو متصل است. اینان همواره سروری شاهان کادیری و سپس جاوه را گردن نهاده بودند. شاید سبب این امر عبور مسیرهای تجارت ادویه از قلمرو آن‌ها (جاوه غربی و مالاکا) بوده است. این بطوطه آن‌جا را جزیره ملوک جزیره‌ای سرسبز و بسیار مستعد برای کشاورزی نامیده است. در جزیره ملوک رژیم غذایی مردم از شیر نارگیل، تنبول (نوعی داروی گیاهی هندی)، ماهی و فوفل (نوعی گیاه تند هندی با خواص دارویی) و پول آن‌ها از صدف تشکیل می‌شد. دریانوردان مسلمانی چون ناخدا ابراهیم در آن‌جا رفت‌وآمد داشتند اما به سبب ضعف نیروهای نظامی و ناوگان جزیره، مردم آن‌جا همواره در هراس از دزدان دریایی به سر می‌بردند. با این وجود، بسیاری از محققین معتقدند که این جزایر مبدأ راه دریایی ادویه به شمار می‌رفته است. ادویه هم برای طعم غذا و هم برای نگه‌داری گوشت احشام در اروپا بسیار ضروری بود، این کالا چنان ارزش‌مند بود که گاه به عنوان وسیله مبادله و مالیات به کار می‌رفت. بنابراین امپراتوری مستعمرات پرتغال و خاصه بعد از آنان هلند، بر منابع بی‌کران ادویه آن جزایر بنیان نهاده شد.

## جزیره جاوه

سیاحان بدون توجه به وسعت جغرافیایی سوماترا نسبت به جاوه، بنا بر مشهور در آن روزگار جاوه را جاوه بزرگ و سوماترا را جاوه کوچک خوانده است، شاید از آن جا که اهمیت تجاری و سابقه فرهنگی و تاریخی جاوه از سوماترا بیش تر بود، موجب چنین اشتباهی شد. در آن جا فلفل، جوز هندی (بویا)، اسطوخودوس (گیاهی خوشبو از تیره نعاعیان)، کبابه چینی (ریشه‌ای از گیاهی دارویی)، میخک، نارگیل، موز، نی شکر، عود، برنج، کافور و هل می‌روید که با کشتی‌های تجاری به دیگر نقاط صادر می‌شد. بیش تر عطریات آن سرزمین در نواحی کافر نشین به دست می‌آمد که احتمالاً مطابق با همان جزایر شرقی بود، و موجب ثروت بی‌شماری می‌شد. و ورود مارکوپولو (۱۲۹۳ق/۶۹۳م) در زمان شاهی ثروت‌مند، قدرت‌مند و مستقل در جاوه بود که این سال مصادف با سال مرگ کرتاناگارا آخرین شاه سلسله سینگهاساری و جلوس ویجایا مؤسس سلسله ماجاپاهیت بود.

تاجران بندرهای چینی هم‌چون زیتون (هانگچئو) و مانجی (بندری در فرکین در جنوب شرقی چین) از تجارت با آن نواحی سود سرشاری را عاید خود می‌کردند اما به سبب مشکلات دریانوردی و لشکرکشی دریایی، چینیان هرگز موفق به تسخیر آن جا نشدند. ابن‌الوردی<sup>۱</sup> از کاربرد مفرط تجملات طلا و جواهرات در لباس و دربار شاه، و رواج سکه‌های طلایی با تصویر شاه جاوه سخن گفته است. (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۱۸۴؛ ولک، ۱۳۷۴: ۱۰۴؛ ابن‌الوردی، بی‌تا: ۱۱۰؛ Pordenon, ۱۹۹۸: ۱۵۱) در زمان اودوریک پوردنونی جهانگرد ایتالیایی (در قرن ۸ ق/۱۴م) هفت شاه تابع شاه جاوه بودند و جاوه جزیره‌ای پرجمعیت بوده است. خواجه رشیدالدین ضمن ستایش عودهای خوش‌بوی سرزمین‌های آتش‌فشانی جاوه، شهرهای ارو، برلک، دلمیان، جاوه و برکودوز را از شهرهای مهم آن جزیره

۱. اِبْن وَرْدِي، ابوحفص زين الدين عمر بن مظفر بن ابي الفوارس (۷۴۹-۶۹۱ ق/۱۲۹۲-۱۳۴۸ م) فقیه، شاعر، ادیب و مورخ صوفی. وی در معرّه النعمان به دنیا آمد و نسبش به ابوبکر خلیفه اول می‌رسد.

برشمرده است. (همدانی، ۱۳۸۴: ۴۳؛ Odoric، ۱۹۹۸: ۱۵۴) به دلیل این جاذبه‌های منابع مختلف معدنی، گیاهی و جنگلی آن نواحی، پرتغالیان در اواخر حکومت سلسله دماک (از اوایل قرن ۱۷م) هلندیان آن نواحی را تحت‌الحمایه و سپس متصرفه خود ساختند.

### سوماترا<sup>۱</sup>

تاریخ نویسان و جغرافی‌دانان مسلمان، سوماترا را به نام جزیره رامی واقع در بحر شلاهد در دورترین نواحی شرق هند معرفی کرده‌اند که هشتصد فرسنگ طول و محیط آن ۲۰۰۰ مایل دریایی<sup>۲</sup> بود. جاوه دارای پادشاهانی مستقل از هم بود که در زمان مارکوپولو هشت حکومت را تشکیل می‌داد. مارکوپولو ضمن توصیف یکی از حکومت‌های هشت‌گانه سوماترا، از شهر فرلک (پارلاک) در شمال شرقی و رواج اسلام سخن رانده است؛ اما به تدریج با گسترش اسلام تا زمان حکومت سلسله سلاطین دماک به زیر بیرق اینان رفتند. (اوچوک، ۱۳۷۴: ۲۷۵-۲۹۲؛ الحموی، بی‌تا، ج ۲: ۳۸۳؛ بکران، ۱۳۴۲: ۲۰ و ۴۱؛ قزوینی، ۱۳۷۱:

ج ۱، ۳۲)

جزیره مالایور در نزدیکی سوماترای شرقی به مرکزیت شهری به همان نام بود. این جزیره دارای مردم، زبان و فرهنگی جداگانه بود. مالایور شهری بزرگ و معتبر به شمار می‌رفت که تجارت ادویه در آن جا رواج داشت. حاکم‌نشین بسمن به‌طور تشریفاتی تابع یوان‌ها در چین بود، اما هیچ ارتباطی با دربار چین نداشت و باجی نمی‌فرستاد، بلکه گاه هدایایی می‌فرستاد. حکومت سوماترا در شمال غربی جزیره سوماترا دارای شاهانی بزرگ ثروت‌مند و مطیع قویلای

---

۱. به زبان جاوه‌ای: جزیره طلا، جاوه کوچک، سوموטרه، جزیره رامنی) همدانی، ۱۳۸۴: ۴۳) این بطوطه و خواجه رشید سوماترا را سوموטרه، یا سوماترا (جاوه کوچک) مارکوپولو و اودوریک پوردنونی آنجا را به نام حکومت لاموری LAMORI که در شمال غربی سوماترا بود به نام سراسر جزیره بسط داد. و جغرافیدانان مسلمان نیز به همان سبک عمل کرده آن را رامنی (ادریسی)، رامی (خواجه رشید) نامیده‌اند. (Odoric, 1998: 146)

۲. مایل دریایی امروزه معادل دقیقاً ۱۸۵۲ متر تعریف می‌شود.

## تاریخ معاصر اندونزی و روند مبارزه و دگرگونی اهداف نهضت دارالاسلام ۱۹۶۱

قآن بود. اودوریک پوردنونی آن جا را حکومتی جداگانه به نام سومولترا<sup>۱</sup> توصیف کرده است که همواره در جنگ با حکومت‌های دیگر بوده‌اند. چنانکه اودریک (در حدود ۱۳۲۷ ق/ ۷۲۸ م) به چشم دیده بود آن جا سرزمینی پر نعمت، بازار بزرگ دام و معدن سرشار طلا و قلع بوده است. (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۱۸۰؛ ابن‌الوردی، بی‌تا: ۱۰۳؛ odoric, ۱۹۹۸: ۱۴۶)

حکومت فن سور (فنصور) از دیگر حکومت‌های مستقل جزیره سوماترای جنوب غربی در ناحیه باروس بود که به محصول کافور «فن سورینا» (در منابع اسلامی: کافور فنصوری) که مرغوب‌ترین نوع کافور بود، شهرت داشت که از نظر تاجران هم‌چون طلا ارزشمند بود. (طوسی، ۱۳۶۳: ۲۵۷؛ همدانی، ۱۳۶۳: ۷۸) به نظر می‌رسد که حکومت‌های محلی مذکور در آستانه سقوط سلسله سینگهاساری برای حفظ استقلال خود، به دشمن مهیب سلسله مذکور یعنی به قویبیلای قآن اعلام وفاداری کرده بودند اما با برقراری سلسله مایاجاهیت زیر سلطه آن رفتند.

ابن بطوطه که (در حدود ۷۴۵ ق/ ۱۳۴۴ م) از آن نواحی دیدن کرده بود، شاهد زوال سلسله جاماپاهیت و بر آمدن دولت‌های محلی مسلمان جدید بوده است. وی در بندر جاوه حضور ایرانیانی از جمله بهروز نایب صاحب البحر (معاون فرمانده نیروی دریایی) سوماترا، قاضی امیر سید شیرازی و تاج‌الدین اصفهانی که در دربار ملک ظاهر، سلطان شافعی مذهب سوماترا خدمت می‌کردند. شاه جاوه برای نشر اسلام در قالب جهاد در نواحی اطراف فعالیت داشت. شهر سوماترا پایتخت سلطان، شهری بزرگ و نیکو با برج و باروی چوبین بود. در بندر برای استراحت مسافران و خانه‌هایی چوبین به نام سرچی به عنوان مکانی برای معامله وجود داشت. لبنان (کندر) کافور و اندکی قرنفل و عود هندی از محصولات سوماترا در زمان ابن‌بطوطه به شمار می‌رفت. در جاوه برخلاف زمان مارکوپولو که آهن وسیله مبادله بود، در زمان ابن‌بطوطه شامل

---

1.sumoltra.

قطعاتی مثل شمش از قلع و طلای چینی (بالش) بوده است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷۲۱)

حاکمان محلی سوماترا، با گسترش اسلام تا زمان حکومت سلسله سلاطین دماک، به تدریج زیر بیرق اینان رفتند و نقش عمده‌ای در تجارت، دریانوردی و نظارت بر تنگه مالاکا داشتند؛ ولی سلطه اروپاییان خاصه هلندیان بر انحصار تجاری و حیات سیاسی آنان پایان داد. از این‌رو، نهضت‌های اسلام‌گرا، از اواخر قرن نوزده میلادی، به تدریج علیه نفوذ هلندیان دست به قیام زدند. هدف اینان برقراری حکومت اسلامی هم‌چون حکومت‌های مسلمان اندونزی در قرون میانه بود. از این‌رو، به یاری نظامات صوفیانه خاصه، رابطه اطاعت‌آمیز مریدی و مرادی که هدفشان تشکیل حکومت اسلامی در برابر ناسیونالیسم اندونزیایی بود از میدان به در شدند و نهضت‌های اسلام‌گرا- صوفیانه‌ای، چون دارالاسلام که در اخراج استعمارگران هلندی خوش درخشیدند، چون به اهداف خود دست نیافتند، چنانکه در زیر خواهد آمد، مبارزه را، این بار در داخل و برای تأسیس حکومت اسلامی ادامه دادند. لیکن طی مبارزات پرفراز و نشیب خود، برخی گرایش‌های دارالاسلام به سلفی‌گری و حتی تروریسم منحرف گشتند.

### نهضت دارالاسلام<sup>۱</sup> و مبارزه برای اخراج استعمارگران هلندی

قیام‌های مسلمانان اصول‌گرا، در جنوب شرق آسیا در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در دوران پیش از جنگ جهانی دوم، یعنی در زمان اوج استعمار اروپائیان در این منطقه رخ داد. قیام‌ها نوع متفاوتی از نهادینه کردن جهاد برای آزادی سرزمین‌های اسلامی (دارالاسلام) بود. (Azra, ۲۰۰۶: ۱۶۹) سازمان‌های اسلامی

۱. در اندونزی «سازمان انقلابی به نام «دارالاسلام» که به مشی مسلحانه اعتقاد داشت، ایجاد گشت که رهبر آن کارتوسو برجو و هدف آن استقرار حکومت اسلامی بوده است. سوکارنو؛ کارتوسو برجو را اعدام کرد. پس از سوکارنو موج اسلام‌گرایی در توده مردم گسترش چشم‌گیری داشته که نگرانی شدیدی برای دولت استبدادی و فاسد سوهارتو به وجود آورده است.

## تاریخ معاصر اندونزی و روند مبارزه و دگرگونی اهداف نهضت دارالاسلام ۶۳

در اندونزی برای واکنش در برابر تأثیرات و نفوذهای گوناگون خارجی به ویژه استعمار هلند به وجود آمدند و تجدید حیات اسلامی برای ایجاد دولتی اسلامی در آنجا به صورت آرمانی مشترک درآمد. (ولک، ۱۳۷۴: ۴۶۳)

در واقع، نهضت دارالاسلام در جاوه غربی واکنشی علیه استعمار هلند بود. (ولک، ۱۳۷۴: ۴۶۳) در طی اشغال اندونزی در جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها به عنوان قدرتی منطقه‌ای، از مسلمانان حمایت کردند تا به مبارزه برای استقلال از هلند به جنگ ادامه دهند. حال آنکه سیاست هلند نسبت به گسترش اسلام و عمکرد آن در اندونزی منفی بود. آنان در روزگار قبل از جنگ جهانی دوم هیچ‌گونه فعالیت سیاسی را مجال نمی‌دادند. (Esposito: ۲۰۰۸: ۱۸; Mcamis, ۲۰۰۲: ۷۵) از سوی دیگر هلند بعد از جنگ جهانی دوم تلاش کرد تا مستعمرات خود را دوباره بازپس بگیرد. (Gibson, ۲۰۰۷: ۱۶۱) از سوی دیگر، در آسیای جنوب شرقی مستقل، دولت‌های نوپای ملی تمرکزطلب و غیردینی به دلایل گوناگون مورد اعتراض واقع شدند. از این رو، نهضت دارالاسلام، به صورت شعاری برای مخالفت با دولت سلطنتی اندونزی درآمد. (Hooker, ۱۹۸۳: ۷۷)

کارتوسوویرجو<sup>۱</sup> (در سال ۱۳۱۹ ش/ ۱۹۴۰ م) مؤسسه صّفه<sup>۲</sup> را افتتاح کرد. او با تأسیس مؤسسه صّفه که مکانی برای آموزش، تربیت و تعلیم جوانان حزب جهت تحقق قوانین و تعالیم اسلام بود، تصمیم کنفرانس شرکت اسلام (در ۱۳۱۷ ش/ ۱۹۳۸ م) را اجرا کرده بود. او پس از اخراج، کمیته دفاع از حقیقت<sup>۳</sup> وابسته به حزب شرکت اسلام اندونزی را به منظور فعالیت در درون حزب مذکور، تأسیس کرد. کمیته مذکور از همه قوانین شرکت اسلام بهره گرفت و خود را حزب شرکت اسلام واقعی دانست. مؤسسه صّفه، در دوره آموزشی علاوه بر

---

۱. سکارماجی ماریجان کارتوسوویرجو (S.M. Kartosoewirjo) دانشجوی پزشکی صوفی مشربی بود که در ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۰ م به عنوان یکی از اعضای برجسته کنفرانس شرکت اسلام ارتقا یافت اما در ۱۳۱۷ ش/ ۱۹۳۸ م کنفرانس شرکت اسلام او را به رهبری مؤسسه‌ای متهم کرد که برنامه‌اش تربیت کادری مبارز برای حزب بود.

2. Suffah.

3. Komite Pertahanan Kebenana PSII.

برخی تعالیم مذهبی، بر مبارزه طلبی به شیوه اسلامی تأکید داشت. مدت دوره آموزش، چهار تا شش ماه و تعداد کارآموزان به چهل تا پنجاه نفر می‌رسید. آنان در این دوره کوتاه در حد یک عالم آموزش نمی‌دیدند، اما روحیه مبارزه‌جویی در آنان تقویت می‌شد. علاوه بر آن، نوعی وفاداری نسبت به رهبر به همان روشی که در سلسله‌مراتب عرفانی وجود داشت، در آن نسبت به کارتوسوویرجو تبلیغ می‌شد. این یکی از دستاوردهای آموزشی مؤسسه صفه بود. تشکیل کمیته دفاع از حقیقت و تأسیس حزب اسلامی اندونزی (در سال ۱۳۱۷ق/ ۱۹۳۸م) نیروی حزب شرکت اسلام را تضعیف کرد. (نوئر، ۱۳۷۰: ۱۸۶) در نهایت کارتوسوویرجو تشکیل دولت اسلامی اندونزی<sup>۱</sup> را بر اساس اشتراک منافع، اعلام کرد و نیروهای دارالاسلام قیامی را علیه جمهوری اندونزی آغاز کردند. (Hooker and Fealy, ۲۰۰۶:۴۹)

### نهضت دارالاسلام و مبارزه برای برقراری حکومت اسلامی در اندونزی

دارالاسلام یکی از گروه‌های کوچک، اما در واقع مهم‌ترین گروه اسلامی در اندونزی و از نظر تاریخی از بزرگ‌ترین و پر سابقه‌ترین سازمان‌های جهادگرا بود (Hooker and Fealy, ۲۰۰۶: ۳۵۴) که در قالب نهضت، دولت مرکزی را به چالش می‌کشید. این نهضت در انجمن‌های اسلامی در طی اواخر دوران سلطه هلندیان توسعه یافته بود و هدفش ایجاد یک دولت اسلامی مستقل و رسمیت بخشیدن به قانون اسلام (شریعت) در سراسر کشورهای اسلامی بود که در فقه اسلامی از آن با عنوان دارالاسلام یاد می‌شد. نارضایتی و امتناع از به رسمیت شناختن دولت سلطنتی اندونزی، منجر به شورش‌هایی در مناطق کوهستانی غرب جاوه شد. (Riddell, ۲۰۰۱: ۲; Federspiel, ۲۰۰۱: ۲۰۰)

رهبر این نهضت کارتوسوویرجو به دلیل مخالفت با شرکت حزب مذکور در دولت به منظور تشکیل پارلمان اندونزی خطری برای ثبات حزب تلقی می‌شد.

---

1. Negara Islam Indonesia(NII).

## تاریخ معاصر اندونزی و روند مبارزه و دگرگونی اهداف نهضت دارالاسلام ۶۵

هدف کنفرانس از این کار زیر فشار گذاشتن دولت هلند برای تشکیل یک مجلس مستقل از نمایندگان واقعی مردم بود. او با شرکت حزب در فدراسیون احزاب سیاسی اندونزی (که در سال ۱۳۱۷ ش/ ۱۹۳۸ م تأسیس شد)، مخالف بود. به همین دلیل (در سال ۱۳۱۸ ش/ ۱۹۳۹ م) کارتوسوویرجو و اعضای هشت شعبه از شعبات کنفرانس شرکت اسلام که در جاوه مرکزی مستقر بودند، از جاوه اخراج شدند.

نهضت دارالاسلام (در سال ۱۳۲۷ ش/ ۱۹۴۸ م) از دو گروه مسلح حزب الله و سبیل الله تشکیل شد که در قالب جنگ‌های چریکی به نیروهای هلندی حمله می‌کردند. آنان اعتقاد داشتند که جاوه غربی متعلق به آنان است. (Hooker, ۱۹۸۳: ۱۸۹) از این‌رو، آنان به یک بخش از نیروهای جمهوری مستقر در ناحیه کوهستان‌های غرب جاوه تبدیل شدند. در مارس ۱۹۴۸ میلادی، نیروهای او غرب جاوه را اشغال کردند. پیروان کارتوسوویرجو روستاهای نواحی جاوه غربی را به تصرف درآوردند و از مردم آن‌جا مالیات و نیروی انسانی گرفتند و قوانین اسلامی را در میان آنان اجرا کردند. (Federspiel, ۲۰۰۱: ۲۰۰) این نهضت ریشه پیدایش برخی از گروه‌های جهادگرای اسلامی و نیروهای نظامی اندونزی شد. (Azra, ۲۰۰۶: ۱۷۰)

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، رهبر این نهضت (در سال ۱۳۲۹ ش/ ۱۹۴۹ م) تشکیل دولت اسلامی اندونزی را اعلام کرد که نخستین دولت اسلامی در اندونزی بود. (Hooker, ۱۹۸۳: ۱۸۹) او در هفتم آگوست همان سال اعلامیه‌ای بدین‌قرار در باب تأسیس دولت اسلامی اندونزی صادر کرد: (Federspiel, ۲۰۰۱: ۲۰۰)

انشاء الله این قیام و نبرد مقدس ادامه خواهد یافت. دولت اسلامی اندونزی با برقراری امنیت و ثبات داخلی و خارجی به طور ۱۰۰٪ هم به شکلدوفاکتو (عملی) و دوژور (قانونی) در سراسر اندونزی ظهور خواهد کرد. تمامی مظاهر استعمار و بردگی نابود و دشمنان خداوند، دشمنان ایمان و دشمنان حکومت از اندونزی رانده خواهند شد. قانون اسلام به طور کامل در سراسر دولت اسلامی اندونزی اجرا خواهد شد. (Riddell, ۲۰۰۱: ۲۶۵)

انقلابیون در سراسر دهه (۱۳۲۹ش / ۱۹۵۰م) عملیات‌هایی بر علیه نیروهای حکومت مرکزی در چندین ایالت اندونزی انجام دادند. چندان که قیام موسوم به دولت انقلابی جمهوری اندونزی - پرمستا (۳۹-۱۳۳۷ ش / ۶۰-۱۹۵۸ م) و نهضت دارالاسلام (۴۰-۱۳۲۸ش / ۶۱-۱۹۴۹م) در جاوه غربی موقعیت حکومت مرکزی را به خطر انداختند. رهبران سیاسی قیام پرمستا با نهضت دارالاسلام در جاوه غربی مرتبط بودند. در سال ۱۹۵۴ میلادی نیروهای انقلابی در چهار ایالت مرکز جاوه، اچه، جنوب سولاوسی و جنوب کالیمانتان به نیروهای دارالاسلام ملحق شدند و این امر، منجر به جدی‌ترین تهدید امنیتی داخلی اندونزی گردید که در طی دو دهه آغازین پس از استقلالش با آن رودرو شده بود. دارالاسلام در زمان اوج خود در اواسط دهه ۹۵۰ میلادی ده‌ها هزار جنگ‌جو در سراسر اندونزی در اختیار داشت و بخش‌های مهمی از مناطق مهم کوهستانی و جنگلی در جاوه غربی، اچه و جنوب سولاوسی (سه لبس) را زیر نظر داشت. (Hooker and Fealy, ۲۰۰۶:۴۹)

## سیاست حزب حاکم جمهوری خواه و موضع مسلمانان اندونزی در مواجهه با نهضت دارالاسلام

دولت‌مردان جمهوری اندونزی، نهضت دارالاسلام را به دلیل فعالیت‌های تروریستی، اهداف دگراندیشانه، امتناع از به رسمیت شناختن دولت‌مردان جمهوری خواه و برپایی قیام، غیرقانونی اعلام کردند. در سال ۱۹۴۸ میلادی پارلمان به ریاست محمد نتسیر<sup>۱</sup> در مورد دارالاسلام تحقیق و تفحص کرد. او که خود سخنگوی حزب ماساجومیا<sup>۲</sup> نیز بود، باور داشت که باید میان آن دسته از گروه‌های افراطی که روش ایشان ترور بود، با دارالاسلام واقعی به معنای دولت اسلامی تفاوت قائل شد. از این رو، محمد نتسیر (در سال ۱۳۳۱ش / ۱۹۵۲م) اظهار داشت که نباید با قیام‌کنندگان با خشونت بیش از حد رفتار کرد، زیرا

1. Moehammad Natsir.

2. Masjumi.

## تاریخ معاصر اندونزی و روند مبارزه و دگرگونی اهداف نهضت دارالاسلام ۶۷

آنان در نبرد علیه استعمارگران هلندی به دولت کمک کرده بودند. در واقع هسته اصلی نیروهای انقلابی در نبرد علیه هلند به شمار می‌رفتند. بخشی از توصیه‌های نتسیر دیدگاه برخی از گروه‌های اسلام‌گرای درون جمهوری را منعکس می‌کرد؛ در صورتی که بسیاری دیگر از گروه‌های مسلمانان به کارتوسوویرجو گرایش نداشتند و روش او را در برخورد با مسائل، به عنوان یک مدعی دولت اسلامی نادرست می‌شمردند اما با این حال، اغلب مسلمانان مخالف این بودند که دیگران او را محکوم کنند، یا دولت‌مردان به خاطر مفاهیم و اهداف اسلامیش تصمیم قاطعی علیه نهضت او اتخاذ کنند. بسیاری از مسلمانان نگران بودند که محکومیت دارالاسلام تبدیل به حرکتی اساسی علیه اصل حکومت اسلامی باشد. آنان اعتقاد داشتند که تأکید بر روش مذاکره و قانع‌سازی در نهایت می‌توانست کارتوسوویرجو را به سازگاری با نظام جمهوری بکشاند ولی انزوای سرزمین اندونزی و نیاز نیروهای جمهوری‌خواه برای رویارویی با نیروهای هلندی در هر جا، هرگونه اقدامی علیه دارالاسلام و حاکمیت آن بر منطقه را غیرممکن می‌کرد. کمونیست‌ها نتسیر و حزب ماسوجومی را متهم کردند که آنان آشکارا در پی مصالحه‌ای با قیام‌کنندگان بودند، زیرا ماساجومی در واقع از متحدان دارالاسلام و دیگر گروه‌های دگراندیش اسلام‌گرا بود، اگرچه سخن‌گویان ماسوجومی تصریح می‌کردند که حزبشان با دارالاسلام متحد نیست. برخورد ملایم ماسوجومی در برابر قیام‌کنندگان، به شایعات ناشی از تبلیغات کمونیستی مجال می‌داد تا تصویری عامه‌پسند ارائه دهند مبنی بر آن‌که ماسوجومی و نهضت‌های شورشی (انقلابی) به‌گونه‌ای با هم در ارتباط نزدیک بوده‌اند. (Federspiel، ۲۰۰۱: ۲۰۰- ۲۳۴)

## افول نهضت دارالاسلام، شدت‌گیری فعالیت‌های پارتیزانی، و تلاش‌های نافرجام برای احیای نهضت

نهضت دارالاسلام در اواخر دهه (۱۳۳۰ ش/ ۱۹۵۰ م) به خاطر ترکیب عملیات

نظامی با پیشنهادهای عفو عمومی و جمهوریت، شروع به سقوط کرد. چنانکه (در سال ۱۳۳۲ ش/۱۹۵۳م) گروه‌های مسلمان در اچه، سولاوسی<sup>۱</sup> و کالیمانتان<sup>۲</sup> از عضویت جمهوری اندونزی بیرون آمدند. در سولاوسی کهر- مذکر<sup>۳</sup> حمایتش را از دولت اسلامی اندونزی اعلام، و نهضتش به دارالاسلام مشهور و در واقع شاخه نظامی دارالاسلام<sup>۴</sup> را تشکیل داد. (Hooker and Fealy, ۲۰۰۶:۱۸۶; Gibson, ۲۰۰۷:۱۶۱)

آنان اگرچه با دولت اندونزی ستیز می‌کردند، اما نزاع‌های آنان به صورت ناحیه‌ای و قومی بود، آنان دارالاسلام را تأسیس کردند و اتحاد خود را با نهضت اعلام کردند. در اچه نهضتی انقلابی (شورش) توسط داود بیوروه<sup>۵</sup> به ارتش اندونزی حمله کرد و خودشان را ایالت دارالاسلام تحت رهبری کارتوسوویرجو اعلام نمودند ولی دولت سرانجام در مذاکره موفق شد و مشاجرات از طریق پیشنهاد عفو عمومی و ایجاد ایالت خاص اچه با اجرای قانون اسلامی در آن منطقه پایان یافت. (Federspiel, ۲۰۰۱:۲۳۶) که این خود منجر به ضعف نهضت دارالاسلام شد. سرانجام کارتوسوویرجو (در سال ۱۳۴۱ ش/۱۹۶۲م) دستگیر و اعدام شد و آخرین رهبران اصلی قیام، (در سال ۱۳۴۴ ش/۱۹۶۵م) کشته شدند. در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی دارالاسلام رو به زوال بود، اما در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی چند تن از فرماندهان سابق نهضت دارالاسلام به صورت پنهانی دوباره نهضت را احیاء کردند. حجم نهضت (در طی دهه ۱۳۵۹ ش/۱۹۸۰م) به سرعت افزایش یافت و اعضای جوان و وابستگان نهضت دارالاسلام قدیمی را دوباره جذب کردند و کادر جدیدی را در دانشگاه به خود جلب نمودند. (Hooker and Fealy, ۲۰۰۶:۴۹) در سال ۱۹۹۳ میلادی، نهضت اصول‌گرای الجماعه الاسلامیه موسوم به Jama'a Islamiyya (JI) که توسط دو تن از رهبران سابق نهضت دارالاسلام

- 
1. Sulawesi.
  2. Kalimantan.
  3. Kahar Muzakkar.
  4. Darul Islam / Tentara Islam Indonesia (DI/TII).
  5. Daud Beurueh.

## تاریخ معاصر اندونزی و روند مبارزه و دگرگونی اهداف نهضت دارالاسلام ۶۹

عبدالله سنگکر<sup>۱</sup> و ابوبکر بعثیر<sup>۲</sup> تأسیس شده بود، جایگزین نهضت دارالاسلام شد. هدف آنان نیز، ایجاد دولتی اسلامی بود و با آنکه به نسبت نهضت دارالاسلام جنگ طلب‌تر بودند، توفیق کمتری یافتند. (Hooker and Fealy, ۲۰۰۶:۵۰)

### نتیجه

اسلام صوفیانه در تاریخ میانه اندونزی، بیش‌تر قرائتی صلح‌طلب بود که جوامع تاجر پیشه آن سرزمین را به هم پیوند می‌داد و نیز تعاملی نیکو با بومیان بودائی و هندو برقرار می‌کرد ولی پس از سلطه پرتغالیان، این فضای تعامل و همکاری جای خود را رابطه‌ای نابرابر داد که طی آن استعمارگر هلندی به سلطه‌گری علیه بومیان و بهره‌کشی از منابع آنان می‌پرداخت. ریشه‌های هویت پرسابقه اندونزی، این وضع را تحمل نمی‌توانست کرد. بنابراین، در گام نخست احیای هویت اسلام صوفیانه با تأکید بر مفهوم اسلامی جهاد علیه استعمارگران رخ نمود. ابزارهای برای بسیج رزمندگان اسلام‌گرا در نهضت دارالاسلام به طور مؤثری به کار رفت، تبلیغات فرهنگی و تعلیمات دینی در میان نیروهای بالقوه نهضت برای تقویت رابطه مریدی و مرادی میان ایشان و فرمانده-پیشوایشان (کارتوسو ویرجو) بود. این ابزار در تعداد محدود پیروان نهضت دارالاسلام و به منظور براندازی نظام سلطه استعماری هلند مؤثر و موفق بود ولی از آنجا که گذشته از مسلمانان، اقلیت‌های قابل توجهی از پیروان ادیان دیگر و علاوه بر آنان گرایش‌های اسلام‌گرای متنوعی نیز در درون جماعت مسلمان اندونزی حضور داشتند، عملاً رابطه مرادی و مریدی ابزار کافی برای تأسیس یک دولت اسلامی نبود. اساساً شور و هیجان صوفیانه و اطاعت محض از مراد، انگیزه‌های نیرومند و البته کوتاه مدت برای جهاد و مبارزه در قالب نهضت دارالاسلام پدید آورد، اما برای تأسیس یک دولت اسلامی بیش از این

1. Abdullah Sangkar.

2. Abu-Bakar Baasyir.

شور و هیجان، یک دستگاه فلسفی - فقهی مشروعیت بخش جامع و مانع لازم بود که رهبران نهضت دارالاسلام در طراحی آن کوتاهی کرده بودند. تلاش‌های ایشان برای نوعی سلفی‌گری نیز به دو معنا بود: در آغاز به معنی احیای سلطنت‌های مسلمان تاجر پیشه متحد در مجمع‌الجزایر اندونزی؛ و پس از اخراج پرتغالیان، سلفی‌گری به معنی دقیق کلمه یعنی احیای نظام خلافت اسلامی و اتحاد جهان اسلام، در مفهوم شعار اسلامی دارالاسلام مطرح شد که به دلایل گوناگونی ناکام ماند که از آن جمله می‌توان به: وجود معتقدان سایر ادیان در اندونزی، تجزیه و شرایط پر آشوب بین‌المللی در جهان اسلام که مانع اتحاد بود، تفاوت‌های عمیق میان قرائت صوفیانه اسلام در نهضت دارالاسلام با قرائت‌های اغلب شریعت‌گرا و گاه حتی ظاهرگرا ظهور یافته بود.

## کتابنامه

- ابن الوردی، سراج الدین ابی حفص عمر (بی تا). *خریده العجایب و فریده الغرایب*، مصر، الطبعة الثانية.
- ابن بطوطه (۱۳۷۶). *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه علی موحد، تهران، آگه، ج ۲.
- اوچوک، بحریه (۱۳۷۴). *زنان فرمانروا در دولت های اسلامی*، ترجمه محمدتقی امامی، تهران، کورش.
- بکران، محمد بن نجیب (۱۳۴۲). *جهان نامه*، به کوشش محمدامین ریاحی، تهران، انتشارات کتابخانه ابن سینا.
- الحموی، یاقوت (بی تا). *معجم البلدان*، تحقیق عبدالرحمان المرعشی، بیروت، دارالحیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ج ۲.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۳). *تسوخ نامه ایلیخانی*، تصحیح مدرس رضوی، تهران، اطلاعات.
- قزوینی، زکریا (۱۳۷۱). *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه محمد مرادبن عبدالرحمان، تصحیح سیدمحمد شاهمرادی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱.
- مارکوپولو (۱۳۶۳). *سفرنامه مارکوپولو*، ترجمه منصور سجادی و آنجلادی جوانی رومانو، تهران، گویش.
- نوئر، دلیار (۱۳۷۰). *نهضت های نوین اسلامی در اندونزی*، ترجمه ایرج رزاقی و محمدمهدی حیدرپور، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ولک، برنارد (۱۳۷۴). *تاریخ اندونزی*، ترجمه ابوالفضل علیزاده طباطبائی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل الله (۱۳۶۸). *آثار و احیاء*، به اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران و مؤسسه مطالعات اسلامی مک گیل کانادا.
- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل الله (۱۳۸۴). *جامع التواریخ (تاریخ هند و سند و کشمیر)*، تصحیح محمد روشن، تهران، نشر میراث مکتوب.
- Azra, Azyumardi (2006). *Indonesia, Islam and Democracy*, Jakarta, The

Asia Foundation, SOLSTICE, ICIP.

\_ Esposito. John L. Voli. John O. and Bakar. Osaman, (2008). *Asian Islam in the 21st century*, Oxford: University Press.

\_ Federspiel, Howard M (2001). **Islam and ideology in the emerging Indonesian state**, Brill, Leiden.

\_ Gibson, Thomas (2007). **Islamic Narrative and Authority in Southeast Asia from the 16<sup>th</sup> to the 21<sup>st</sup> century**, macmillan, Palgrave.

\_ Hooker, M.B (1983). **Islam in South- East Asia**, Leiden, E. J. Brill.

\_ Hooker, Virginia and Greg, Fealy (2006). **Voices of Islam in Southeast Asia: a contemporary sourcebook**, Singapore, Institute of Southeast Asian Studies.

\_ Ju-kua. Chau, Chu-fan-chi: on the Chinese and Arab Trade in the twelfth and thirteen Centuries, Translation: Friedrish Hirth and w. w Rockhill, Taipei, Taiwan (literature House, 1964).

\_ Mansurnoor, malik. A(2003). " Islamic, the Malay World and China: Links through the spice route in the mediaeval period" **Islamic Culture**. Vol. 77, No. 1.

\_ Mcamis, Robert Day (2002). **Malay Muslims: the history and challenged of resurgent Islam in Southeast Asia Cambridge**, William B. Erdmann's publishing Company.

\_ Pordenon, Odoric of (1998). "the eastern part of the world: the travels of friar Odoric", **Chathy and the way Thither**, ed, Henry Yule. vol. 2, New Delhi (Munshiram Manoharal),

\_ Riddell, Peter G. (2001). **Islam and the Malay- Indonesian world**, Honolulu, University of Hawaii Press.